

**بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران. « هویت »**

مهندس بهرنگ دریای لعل - کارشناس ارشد معماری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر

beh_darya80@yahoo.com

مهندس ریحانه حوصله دار صابر - کارشناس ارشد معماری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستانه

R_h_patient@yahoo.com

چکیده:

معماری معاصر ایران هنوز در سردرگمی میان برداشت سطحی از نگاهی حسرت آمیز به گذشته تا فریفتگی به الگوهای غربی به سر می برد و معمار امروز ایران در دستیابی به جوهره بنیادین معماری کشور خویش با چالش های فراوانی رو به روست. معماری گذشته این کشور که همواره با تکیه بر خلاقیت و خصایص پایدار از جایگاهی ویژه بر خوردار بود در عصر حاضر در اثر مواجهه با پدیده های گوناگون نظیر سیاست های استعماری و سرازیر شدن ثروت های نفتی بدون دارا بودن پشتوانه مدیریتی لازم و نیز با دلباختگی به مظاهر تمدن تازه صنعتی شده غربی از حقیقت فاصله گرفته و صورتی تصنعی و تنزلی پیدا نموده است.

با آغاز مواجهه با دنیای غرب و پیدایش واژگان دوگانه « سنت » - « مدرنیته » یا « فرنگی » - « ایرانی »، مباحثی در باب هویت، در باب تاریخ معاصر ایران در حوزه های مختلف و به ویژه معماری زاده و با گذشت زمان با رویکردهای گوناگون و در برخی موارد، متضاد رو به رو شد. انتقال معماری روز اروپا و آمریکای شمالی به کشور هایی مانند ایران، تبعات و عوارض ناگواری به همراه داشته است. این تهاجم چنان سریع و گسترده بوده که گویی تیشه به ریشه خورده است.

اما امروز با نگاهی به معماری معاصر ایران و مقایسه آن با معماری مغرب زمین شاید چیز دیگری به ذهن متبادر می شود، معماران امروز ایران شاید مصداق این بیت اند:

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد / و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

گزیده ای از آثار معماران ایرانی بودند انتخاب گردید، همچنین نمونه های موردی از دامنه ای انتخاب شدند که مدارک کافی جهت مطالعه آنها در اختیار باشد و قبلاً صاحب نظران مختلف به تحلیل و نقد آنها پرداخته باشند. نقد معماری یکی از وجوه مهم ادبیات معماری است که به شرح، تفسیر و سنجش اندیشه ها و آثار معماری می پردازد و بخش مهمی از مبانی نظری معماری می باشد، به طوری که هرگونه نظریه و پژوهش در حوزه های مختلف معماری، بر پایه نقد معماری به معنای عام آن متکی است. نقد معماری یکی از مباحث مهجور و فراموش شده جامعه ماست و می توان گفت تا کنون تحقیقات جدی و در خور در آن انجام نشده است.

در این مقاله سعی شده است ابتدا به گونه شناسی هویت و بررسی هویت در معماری معاصر ایران پرداخته شده و در ادامه با استفاده از دسته بندی تفکرات معماران ایرانی که هم از اهمیت و اعتبار داخلی برخوردار هستند و هم اعتبار خارجی و یا آثارشان قابلیت تعمیم پذیری مناسب و قابل قبولی را داراست، تلاشی در جهت شناخت بیشتر معماری معاصر ایران انجام پذیرفته و در پایان بحران هویت در ایران و جهان مورد بررسی قرار گرفته است.



روش شناسی تحقیق:

-هدف تحقیق: نقد، تحلیل و بررسی معماری معاصر ایران از دیدگاه صاحب نظران و متخصصان این رشته
-نوع تحقیق: تحقیق تفسیری - تاریخی

تدوین چهارچوب تفسیر:

- ۱- تحلیل روایت‌های تاریخی
- ۲- مدارک تاریخ معاصر
- ۳- تحلیل ساختاری

واژگان کلیدی: معماری، شهرسازی، هویت، بحران

مقدمه

معماری یک پدیده منفعل نیست که تنها هندسه ای از احجام به آن حاکم باشد، بلکه ایجاد فضای کیفی و خلق مکانی برای جوابگویی به نیازهای آنی و آتی ساکنان می باشد که طی فرآیندی در «مکان - زمان» گسترش یافته و به فضا ختم می شود. ویژگیهای کیفی و مفهومی شهرها در مکانهای مختلف جهان ارائه دهنده «هویت» آنهاست. تاریخ اثباتی از کوشش های بشر برای متمایز ساختن خود از دیگران بوده و هست. اعضای هر جامعه ادراک خاصی از هویت متمایزشان دارند. آنها ممکن است این ادراک را در دین یا در زبانشان متجلی کنند و یا آنرا به گونه ای نمادین در هنر منعکس سازند.^۱

کسب هویت مطلوب و اصیل و رهایی از هویت های بحران زا و بحران هویت از دغدغه های تاریخ انسانیت و فرهنگ های انسانی بوده و هست و به اعتبار آزادمنشی و فضیلت آرمانخواهی و کمال طلبی انسان همیشه خواهد بود. به تأکید می توان گفت انسان به آن دلیل انسان است که موجودی هویت ساز و خواستار هویتی استعلائی و آرمائی است. امروزه احراز هویت فردی از طریق مردم و طبیعت، که صفت ویژه عصر پیش از صنعت بود، به ندرت میسر است و مردم، اشیاء و رویدادها با دنیایی مصنوعی مشخص می گردند. در حقیقت امروزه ملاحظه شهر تحت عنوان الگویی نمادین کاملاً بیگانه و نامفهوم جلوه می کند.^۲

انگیزه خلق عناصر هویتی فرهنگی در معماری یکی از تلاش های قابل ستایش بشر برای متمایز ساختن خانه، شهر و کشور خویش،

برای ستایش و افتخار به باورهایش می باشد. از این رو مردم سازنده شهر هرگاه توانسته اند فرصت اندیشه پیدا کنند و سلیقه های خاص خود را روی بناهای خویش بیشتر انعکاس دهند به این مهم اقدام کرده اند.^۳ اما در عصر جدید و پدیده جهانی شدن که بی هویتی از بلایایی آن است، لزوم و خلق عناصر هویتی فرهنگی در شهر بیش از گذشته ضروری می نماید. امروزه همه از بی هویتی، یکنواختی و کسالت بار بودن شهر و فضاهایش می نالند.^۴ هویت چیست؟ آیا باید به ثبات در مقوله هویت اعتقاد داشت یا به تغییر؟ برآستی چگونه می توان هویت از دست رفته را به معماری و شهر سازی ایران باز گرداند؟ عناصر هویت دهنده و ویژگیهای آن کدام است؟

مفهوم هویت:

در زبانهای لاتین، واژه هویت را در برابر واژه «Identity» برگزیده اند. این واژه از قرن شانزدهم در زبان انگلیسی کاربرد داشته است و شکل های دیگر آن در سایر زبان های اروپایی از واژه «Identities» در لاتین متأخر گرفته شده است. «Identities» از دو بخش «Iden» به معنای «همان» و «Entities» به معنای «وجود» تشکیل شده است.

هویت در فرهنگ لغات فارسی به حقیقت شیء یا شخص، که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، معنی شده است.

تنها پدیده ای که دغدغه هویت دارد انسان است. فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آنکه دارای هویت فردی یعنی نام و روابط مشخص با دیگران می گردد با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می شود، هویت جمعی می یابد و با مجموعه این مسایل دارای تاریخ مشترک می شود، به این ترتیب ایجاد هویت فردی، یک فرایند اجتماعی است. هر فرد هنگامی خود را دارای هویت می داند که از تمایز، پایداری و در جمع بودن خود اطمینان حاصل کند. مکان و فضا مهمترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تأمین می کنند. به بیان روشن تر، مرزپذیری و قابل تحدید بودن مکان و به تبع آن فضا، این امکان را برای آنها فراهم می کند که انسان ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم برای زندگی را کسب کنند. زمان یکی دیگر از عوامل هویت ساز است. فرد هنگامی می تواند مدعی داشتن هویت باشد که از تداوم خود اطمینان حاصل کند. این تداوم چیزی نیست مگر احساس ثبات شخصیت در طول زمان.

۱- (بیتس، ۱۳۷۵، ص ۵۳۰)

۲- (پاراحمدی، ۲۳، ۱۳۷۸)

۳- (فلامکی، ۱۳۸۳، ص ۷۰)

۴- (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۳۰)





بنابراین هرگونه هویت فردی و اجتماعی نیازمند تداوم فردی و اجتماعی است. از لحاظ فردی، گذشته مورد نظر همان خاطره است و از لحاظ جمعی، تاریخ. هر فرد و گروه تداوم خود را بر خاطره و تاریخ استوار می‌کند.^۱



هویت و معماری :

هویت را گاه به معنای تمایز و جدایی از مکاتب دیگر و گاه به معنای عام تر انسجام درونی و ریشه-دار بودن و ارتباط سطح با عمق تعریف کرده‌اند. تعریف اول منظری جامعه‌شناسانه و تاریخی و رویکرد دوم منظری فلسفی و عرفانی دارد. امروزه بیشتر، منظور از هویت، دیدگاه اول است و این در حالی است که بسیاری از روشنفکران و معماران نوگرای ما امروزه بحث هویت را لا اقل برای کشور ایران، بحثی بی اساس و غیر سودمند می‌دانند. به عقیده آنها با گسترش ارتباط و پیوستگی جهان و شکل‌گیری دهکده جهانی حفظ هویت غیر ممکن و غیر مفید شده است و آنچه برای کشور ما ضروری است شناخت بیشتر و رساندن خود به سطح تمدن جهانی است. اما شکست این دیدگاه اثبات شده و حتی در غرب هم در این مورد دچار تغییرات اساسی شده و در آنجا هم، چه در ساحت معماری و چه در ساحت تفکر، بحث هویت از جایگاه بسیار بالایی برخوردار می‌باشد.^۲

در روند شکل‌گیری معماری عوامل گوناگونی مانند اقلیم، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی، اقتصاد ساختمان و ... بر کالبد نهایی تأثیر می‌گذارند. در کنار روند تأثیرگذاری عوامل مادی، فیزیکی، محیطی-اقلیمی، شکل و فضای بنا در بعد فرهنگی، تمثیلی و هنری، باید از کلیه آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برخوردار باشد.^۳

وضعیت معماری و شهرسازی معاصر ایران:

نگاه اجمالی به تاریخ معماری ایران و سایر تمدنهای جهان نشان می‌دهد که همه آثار بزرگ معماری بر اساس اندیشه مدون و روشن شکل گرفته‌اند. به این ترتیب، می‌توان گفت که هر تمدن یا قومی در دوران مختلف، معماری خاصی را ارائه می‌دهد. موضوع رابطه فرهنگ و معماری به عنوان یکی از جنبه‌های رابطه انسان و محیط مصنوع، و با هدف ارتقاء کیفیت آن، چالشی است که متفکران و معماران با بسترها و زمینه‌های فکری و محیطی مختلف، با آن مواجهند.

سازماندهی فضا در معماری ایران بر اساس حضور و درک یک شبکه سه بعدی نامرئی تنیده در همه فضاهای خرد و کلان صورت می‌گرفته که طیف گسترده‌ای از همه فعالیت‌های آدمی از فکر کردن و تماشای گل و گیاه گرفته تا برگزاری مراسم پرجمعیت (در حد فاصل دو قطب عمومی و خصوصی) را شامل می‌شد. تأثیر این دو برهم، یعنی سازمان فضایی و شیوه زندگی به صورت ترکیب لایه‌های فضایی، متجلی می‌شده است.

از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی تغییرات بزرگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران رخ داد. ساخت خیابانهای بزرگ در دل بافت‌های تاریخی، بنیان‌گذاری ساختمان‌های بزرگ دولتی و ظهور نوعی معماری عامیانه کم‌ارزش از ویژگیهای این دوره است اگر چه در همین دوره ساختمان‌هایی با چهره سنتی باستانی بنا شدند اما باید توجه داشت که این امر تحت برنامه‌ای مشخص برای قرار دادن گذشته پیش از اسلام در برابر گذشته پس از اسلام بود و نه برای ایجاد تکیه‌گاه قوی هویتی که بر اساس آن بتوان شخصیت ایرانی معاصر را بازسازی یا تصور کرد.^۴

یکی از دلایل سردرگم بودن معماری امروز ایران در یافتن هویت خود، روشن نبودن اندیشه پشت این معماری است. اگر ما به درستی به اندیشه زمان خودمان مسلط شویم یا به عبارت بهتر، اندیشه روشنی برای امروز ما وجود داشته باشد، شاید معماری راحت‌تر بتواند هویت خود را بازیابد.^۵

۱- (بهزادفر، ۱۳۸۷، ۲۵)

۲- (اخترکاو، ۱۳۸۶، ۳۲)

۳- (دیبی، ۱۰۷، ۱۳۷۸)

۴- (معماریان، ص ۳۴۱)

۵- (میرمیران، ۱۲، ۱۳۸۳)



ارزشهای پویای فرهنگی - هنری) شروع شده، د «مکان - زمان» (محدوده ارزشها و بی ارزشها) گسترش یافته و با کنکاشی «علمی - عملی» (محدوده ارزشهای غالب و شایسته) به «فضا» ختم می گردد.

هرگاه یکی از ابعاد چهارگانه مفهومی شهر (ذهنیت، عینیت، مکان و زمان) نادیده انگاشته شود و به آنها کم بها داده شود - که اغلب نیز چنین بوده است - شهر «زنده - فضا» به شهر «زنده در فضا» تبدیل می شود (آن هم تنها به دلیل حضور انسانهایی که در آن ساکن هستند) و این، آغاز فرایند فروریزی بنیان های زندگی شهری و شروع از هم پاشیده شدن شالوده های شهر است. شهری که دیگر نمی تواند چون یک مقوله فلسفی مورد بررسی قرار گیرد، فلسفه وجودی خویش را از دست داده است.^۲

توسعه سریع شهرنشینی در ایران منجر به ساختن فضاهای شتابزده و طراحی نشده گشته است. طراحی بخش های جدید شهرها اکثراً منحصر به تهیه نقشه کاربرد زمین شامل: یک شبکه شطرنجی یکنواخت فاقد سلسله مراتب و قطعه بندی زمین غالباً به صورت یکنواخت و تکراری و ضوابط تراکم ساخت در فضاهای بین آنهاست. عدم توجه به بعد سوم و احجام ساختمان ها، ارتفاع جداره ها، خط آسمان و فقدان طراحی ساختمان های هم جوار و قابل رؤیت در لبه خیابان ها، به عنوان مجموعه های معماری، بدون توجه به هویت کل آنها، منجر به بی نظمی و اغتشاش و گاه یکنواختی در سیما و معماری فضاهای شهری شده و متأسفانه اکثراً با کیفیت فضایی مطلوب ساخته نشده است.

قطع فرایند تحول تاریخی شهر - به سبب اصل قرار گرفتن توسعه برون زا - سبب گشته است تا شهر امروزی ما، ابعاد مفاهیمی و هویتی خود را در بسیاری از موارد از دست بدهد.

هویت پایدار در معماری

هویت در معنای کلی دارای دو جنبه کالبدی و روحی یا ظاهری و باطنی است و این دو جنبه را تنها از نظر ذهنی می توان از هم جدا کرد. جنبه کالبدی که بیشتر جنبه حیوانی انسان و ویژگی های کمی و کیفی آن را در برمی گیرد. اما هویت انسانی چیزی فراتر از کالبد و ظاهر هم دارد که در آغاز بالقوه است و به تدریج بخش اصلی هویت را در برمی گیرد و در عین حال شکی نیست که شکل نهایی هویت در رفتار انسانی زاینده و برگرفته از تلفیق این دو جنبه است.

در جهان هنر و معماری نیز هویت به عنوان عنصری پایه و تعیین کننده وجود دارد، این هویت را می توان برگرفته از محتوا و کالبد و همچون باطن و ظاهر تعریف کرد و هنگامی که اثر هنری دارای محتوا و کالبدی هماهنگ باشد و این دو یک هدف واحد را در برگیرند و منظوری یکسان را دنبال کنند هدفمندی به دست آمده است، پس در واقع سالم بودن و تعادل و پایداری در هویت مربوط به شرایطی است که یکی از آن ها ایجاد شود. چرا که در این شرایط با هم رابطه ای سامانه ای داشته و با تحقق هر یک از آنها بقیه هم رخ خواهند داد. این شرایط شامل:

- ۱- اندیشه سازمان یافته همگانی (حکمت نظری)
- ۲- کردار سازمان یافته همگانی (حکمت عملی)

۱- (انصاری، ۱۳۸۲)

۲- (بهرادفر، ۱۳۸۷، ۴۵)

۳- (حبیبی، ۱۳۸۳، ۲۱۲)

امروزه تعابیر متعددی از وضعیت معماری معاصر ایران، نقل گردیده و می گردد. به این تعبیر، معماری امروز ایران در میان گذشته و آینده معلق و برای یافتن مسیر خود، در تکاپو است. در چنین شرایطی گاه حسرت و خاطره گذشته پرافتخار، و زمانی دیگر معماری متجمل و چشم نواز غرب او را بسوی خود خوانده و از یافتن مسیر حقیقی اش دور می نمایند. لیکن شناخت و دریافت مسیر حقیقی در این میان، راهی بس دشوار است، زیرا که از سوئی گذشته و سنن ما هنوز سرشار از اندیشه ها و اصول جاودان بوده و از سوی دیگر کنکاش ها و پاسخ های امروزین معماری مغرب زمین نمی تواند پاسخی مناسب به شرایط پدید آمده از بستر فرهنگی - اجتماعی سرزمین مان باشد.^۱

بحران در هویت:

ریشه بحران های فراوان نظری و عملی بشر امروز را باید در بحران شناخت شناسی و هویت او دانست، به گونه ای که جهان امروز به یک جهان نسبی با برداشت های گوناگون و متناقض تبدیل شده و هیچ معیار سنجش واحدی را برای آن نمی توان متصور شد. به این سبب آنچه اولین راه حل انسان بحران زده امروز به نظر می رسد، شناخت مجدد انسان نسبت به هویت خود، جهان هستی و... و استوار نمودن آنها بر پایه های محکم می باشد.

البته در پرداختن به بحران هویت همواره این خطر وجود دارد که ما به جای در نظر گرفتن تصویر ذهنی کاملی از پدیده در دام دل اندوهی بیفتم و صرفاً تصویری را که از گذشته پدیده در ذهن داریم ملاک ارزیابی و مبنای دستگاه تشخیص هویت قرار دهیم، بدون توجه به این واقعیت که شاید آنچه دیروز هویت مند بود و توانایی برآوردن توقعات فرد و جمع را داشت، امروز قادر به پاسخگویی به نیازهای فرد نباشد. نباید از خاطر برد که هویت بیش از آنکه معطوف به گذشته باشد، به واسطه ارتباط با توقعات افراد، حال را دربرمی گیرد و حتی باید بتواند تا آینده امتداد یابد.^۲

بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر:

فهم ریشه های بحران و عوامل شکل گیری آن برای ارائه راه حل، ضروری به نظر می رسد. عوامل شکل دهنده بحران در معماری یک سرزمین متفاوت می باشد. ورود معماری از سرزمینهای دیگر به شیوه های گوناگون صورت گرفته است. این عمل که فرد یا گروهی به جای بهره وری از فرهنگ محلی، اقدام به واردات فرهنگ بیگانه می نماید نخستین گامها به سوی فردگرایی است. بدین ترتیب به تدریج بناهایی با اعمال سلیقه شخصی یک یا چند فرد از قشر حاکم ساخته می شوند که هر کدام از بناها نماینده فردگرایی افراد حاکم می باشد.

شهر، اکنون ترکیبی است از سه قسمت عمده: بافت قدیمی از هم پاره شده، با کالبدی گسسته که به سرعت در حال تخلیه شدن و اضمحلال است؛ مسکن کثیف، غیربهداشتی و غیر انسانی با بافتی کاملاً خودبخودی، خالی از هرگونه تمهیدات زیست محیطی و نشأت گرفته از سوداگری بر زمین در حاشیه شهر؛ و سرانجام محلات متجدد، با نوعی معماری کج سلیقه، پرخرج و پر طمطراق، آن هم با بافتی خود بخودی و خالی از هر اندیشناکی کالبدی - فضائی. شهر در هر سه قسمت خالی از ضابطه و قاعده شهرسازی و معماری منطبق بر زمان است.

برخورد به مسأله شهر، فرایندی است که از «فلسفه شهر» (محدوده



۳-سازواری و هماهنگ شدن میان این دو بخش اندیشه و کردار (نظر و عمل)

هویت ناپایدار (بحرانی) در معماری

هویت بحرانی و ناپایدار مربوط به شرایطی است که هر یک از موارد فوق از بین برود. در این شرایط:

- ۱- تعاریف روشن نیستند (فقدان حکمت نظری همگانی)
 - ۲- ارزشها گم شده و نامفهوم اند (فقدان حکمت عملی و همگانی)
 - ۳- نیازی به ارتباط بین آنها و ریشه یابی و ارزیابی در آنها دیده نمی شود.
- در چنین شرایطی همه چیز امکان پذیر خواهد بود و یک آزادی بی حد و مرز همه جا به چشم می خورد. مردم در مراجعه به معمار نمی دانند که چه می خواهند و همین سبب می شود که نوعی ارزشهای مدگرایانه زودگذر جای هنجارها و ارزشهای فرهنگی اصیل را بگیرد.
- این بحران ها می تواند آگاهانه یا ناآگاهانه باشد. بحران ناآگاهانه مربوط به وضعیتی است که جامعه از این شرایط ناراضی نیست و گمان می کند این وضعیت طبیعی است. بدترین حالت این مسئله وقتی است که کارشناسان معماری هم ناآگاهانه به این بحران دامن بزنند. در این شرایط به تعداد کارشناسان توصیف ها و توصیه هایی مربوط به معماری و مسیر تعالی آن وجود دارد. این بحران را می توان بحران مضاعف نام نهاد و راه اصلاح آن بسیار مشکل است. در مقابل بحران آگاهانه مربوط به شرایطی است که جامعه از وضعیت موجود راضی نیست و در تکاپوی دستیابی به یک مبنای فراگیر و قابل قبول است. در این شرایط تعدد توصیف ها و توصیه ها در یک نکته و آن هم ضرورت رسیدن به یک حالت بهتر کانونی هستند.

منابع و مأخذ :

- اختر کاوان، مهدی، ۱۳۸۶، «بحران در معماری و اندیشه ی معاصر»، فصلنامه معماری و ساختمان، شماره ۱۲.
- بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۸، «معماری معاصر ایران»، تهران، نشر هنر معماری قرن.
- بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۲، «فرایند طراحی شهری»، دانشگاه تهران.
- بنتلی، ای. بن و همکاران، ۱۳۸۲، «محیط های پاسخده»، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- بهزادفر، مصطفی، ۱۳۸۷، «هویت شهر»، تهران، مؤسسه نشر شهر.
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۵، «شرح جریانهای فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر»، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۳، «از شار تا شهر(تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)»، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن، «فضای شهری: برخوردی نظریه ای»، فصلنامه صفا، شماره ۳۳.
- دیبا، داراب، ۱۳۷۸ «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران»، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱.
- شالی امینی، وحید، ۱۳۸۳، «شهر امروز و شهرسازی فرا مدرن»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۷۹-۷۸.
- غفاری سده، علی، «مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهر»، فصلنامه صفا.
- معظمی، منوچهر، ۱۳۸۶، «گسست های فرهنگی در معماری دوره معاصر ایران»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۸۷-۸۶.
- معماریان، غلامحسین، ۱۳۸۴، «سیری در مبانی نظری معماری»، تهران، سروش دانش.
- میرمیران، هادی، ۱۳۸۳، «جستجوی هویت ملی در معماری امروز»، فصلنامه معمار، شماره ۲۶.
- ویتوریو مانیا، گو لامپونینی، ۱۳۸۶، «معماری و شهرسازی در قرن بیستم»، ترجمه دکتر لادن اعتضادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- یار احمدی، امیر، ۱۳۷۸، «بسوی شهرسازی انسانگرا»، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- بروس، آلسوپ، ۱۳۷۱، یک تئوری نوین در معماری، پرویز فروزی، انتشارات آثار امام، تهران.
- آیزنمن، پیتر، ۱۳۷۳، نومدرن ها کجایند، ترجمه جودت و همکاران.
- اردلان، نادر، بختیار، لاله، ۱۳۸۰، حس وحدت، حمید شاهرخ، نشر خاک، تهران.
- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۳، ارزش های جاویدان در هنر اسلامی، در مباحثی در هنر دینی، سید حسین نصر، جلد ۲، چاپخانه سکه.
- پاپادو پولو، الکساندر، ۱۳۶۸، معماری اسلامی، حشمت جزنی، انتشارات رجا.
- جنکز، چارلز، ۱۳۷۸، دیکانستراکشن و لذت ناشی از نبود، مجموعه مقالات شش مفهوم در معماری معاصر، جودت و همکاران، نشر توسعه.
- دیبا، داراب، ۱۳۷۸، حصول زبانی نو برای معماران ایران، در مجله معماری و شهرسازی، نشر خاک.
- دیبا، داراب، ۱۳۷۴، هویت در معماری معاصر جهان، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱.
- سوروکین، پیتریم الکساندر، ۱۳۷۷، نظریه های جامعه شناسی و فلسفه های نوین تاریخ، انتشارات حق شناس.
- شوازی، آگوست، ۱۳۸۱، تاریخ معماری، لطیف ابوالقاسمی، انتشارات دانشگاه تهران.
- نصر، سید حسین، ۱۳۷۳، هنر قدسی در فرهنگ ایرانی، انتشارات برگ.
- هایدگر، مارتین، ۱۳۸۱، شعر زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، نشر مولی.